

Plateosaurus

The selfish dinosaur

Illustrated by Catalina Echeverri

پلاتیوسوروس دایناسور خودخواه

سرشناسه: ویچ، کاترین Veitch, Catherine

عنوان و نام پدیدآور: پلاتیوسوروس: دایناسور خودخواه/ نویسندگان: کاترین ویچ، فرن برومیج؛ ترجمه: الناز اسماعیلی. مشخصات نشر: تهران: خانه کاغذی، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۳۲ ص. مصور (رنگی)، ۱۷×۲۴ س.م.

شابک: ۵-۷۹-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸ شابک دوره: ۲-۸۳-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا - یادداشت: زبان: انگلیسی - فارسی. یادداشت:

عنوان اصلی: Dinosaur Adventures: Plateosaurus The selfish dinosaur.

یادداشت: مخاطب: ۹+ نونهال. موضوع: دایناسورها -- داستان -- Dinosaurs -- Fiction

خودخواهی -- داستان -- Egoism -- Fiction

شناسه افزوده: برومیج، فران - شناسه افزوده: Bromage, Fran. شناسه افزوده: اسماعیلی، الناز، ۱۳۶۲ -، مترجم

رده بندی دیویی: ۵۶۷/۹-۱۰ - شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۲۵۳۹۳ - اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

Plateosaurus

The selfish dinosaur

Say hello to the dinosaurs in this story!

Plateosaurus

(say *pla-tee-oh-SORE-us*)

(بگو: پلا-تی-او-سور-اوس)

Melanorosaurus

(say *mela-nor-oh-SORE-us*)

(بگو: ملا-نور-او-سور-اوس)

Also featuring: Euskelosaurus (say *yoo-SKEL-uh-SORE-us*)

(بگو: یو-اسکیل-او-سور-اوس)

Eoraptor

(say *EE-oh-RAP-tor*)

(بگو: ائو-رپ-تور)

Coelophysis

(say *see-LOH-fie-sis*)

(بگو: سی-لو-فی-سیس)

به دایناسورهای این داستان سلام کن!



Plateosaurus
پلاتیوسوروس



Eoraptor
ائوراپتور



Melanorosaurus
ملانوروسوروس



Coelophysis
سیلوفیسیس



Euskelosaurus
یوسکیلوسوروس

A young Plateosaurus called Posy once lived near a dusty desert.

She had the best spot beside a river.

Posy was a selfish dinosaur.

If she found her **favorite*** liverwort* leaves growing nearby, she wouldn't tell her friends.

روزی روزگاری، یک پلاتیوسوروس جوان به اسم پُزی، نزدیک یک بیابان خاکی زندگی می کرد. او بهترین جای کنار رودخانه را داشت.

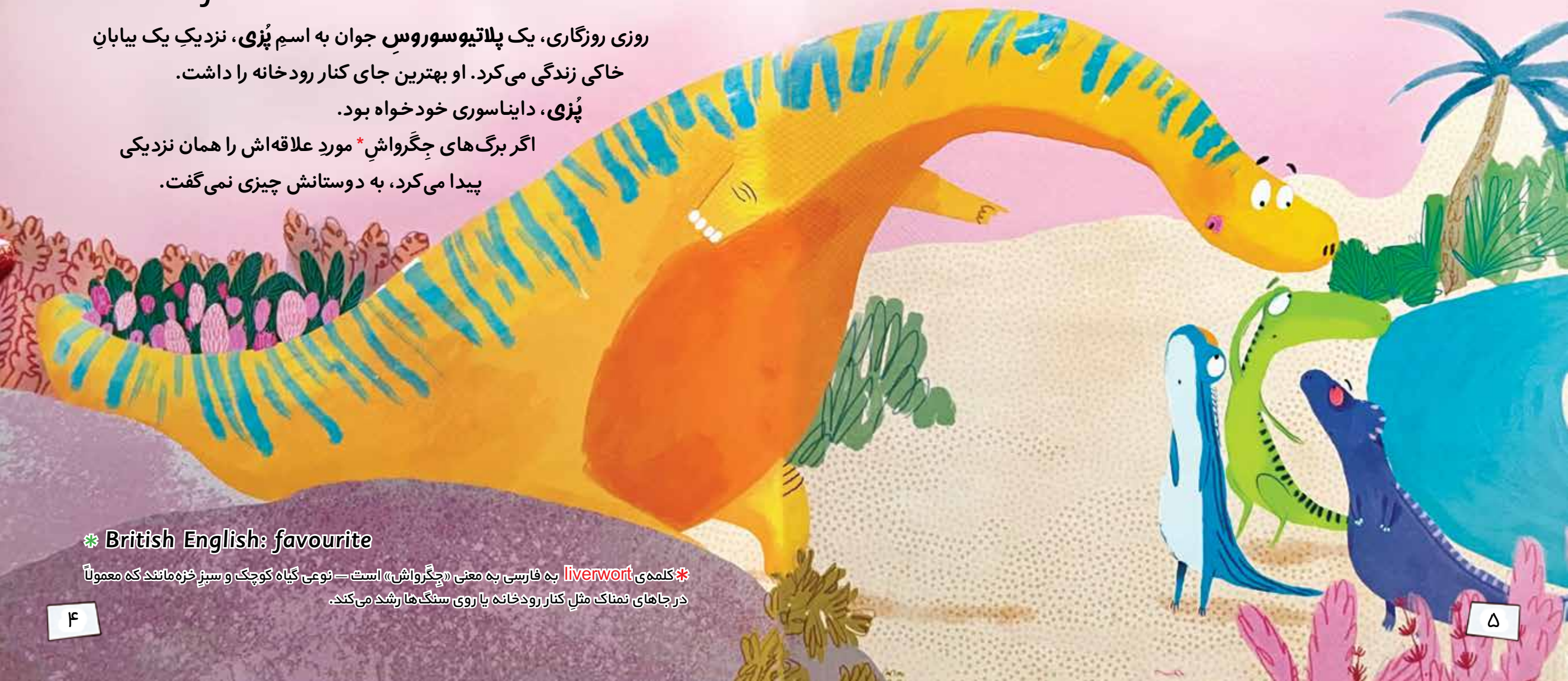
پُزی، دایناسوری خودخواه بود.

اگر برگ های جِگرواش* مورد علاقه اش را همان نزدیکی پیدا می کرد، به دوستانش چیزی نمی گفت.

“There’s no liverwort here,” she would say, and send them looking in the opposite direction.

می گفت: «این جا هیچ جِگرواشی نیست.»

و بعد آن ها را به سمت مخالف می فرستاد تا دنبال برگ ها بگردند.



* British English: favourite

* کلمه ی liverwort به فارسی به معنی «جِگرواش» است — نوعی گیاه کوچک و سبز خزه مانند که معمولاً در جاهای نمناک مثل کنار رودخانه یا روی سنگ ها رشد می کند.

Every day, **Posy** played rock skittles. There was always a queue of other dinosaurs waiting to play. But **Posy** wouldn't share.

Once, a brave little **Eoraptor** called **Esme** dared to ask for a turn in her **BIGGEST** voice.

هر روز، پُزی «بولینگ سنگی» بازی می کرد.
همیشه صفی از دایناسورهای دیگر منتظر
بودند تا بازی کنند.

اما پُزی حاضر نبود بازی را با کسی
تقسیم کند.

یک بار، یک ائوراپتور کوچک
شجاع، به نام اِزمی، جرئت
کرد تا با بلندترین صدای
ممکنش، نوبت بخواهد.

“Please can I play?”

Posy held on tight to her rock and said, “No, you can't play! These are MY skittles! Go away!”

«لطفاً می توانم بازی کنم؟»

پُزی محکم سنگش را بغل کرد و گفت:

«نه! نمی توانی بازی کنی! این ها سنگ های

من هستند! برو کنار!»

